

آفات زبان از منظر احادیث ائمه (ع) با تکیه بر کتاب شریف اصول کافی

□ سیدشهنشاه حسینی *

چکیده

زبان یکی از نعمت های بزرگ خداوند است که آنرا به انسان بخشیده است تا از طریق آن بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند، اما به همان اندازه می تواند پیامدهای سوء به دنبال داشته باشد زیرا زبان، را آفت های فراوان است، اگر کنترل نگردد موجب برهم زدن آرامش و امنیت متکلم و مخاطب و حتی شخص غایب می گردد در قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام زبان از جایگاه بالای برخوردار است در این پژوهش به بررسی آفت های زبان در احادیث ائمه معصومین (ع) اختصاص داده شده است تا از این رهگذر انواع مختلف آفت های زبانی را از دیدگاه احادیث ائمه علیهم السلام است تبیین گردد بطور کلی می توان گفت هدف از این پژوهش پیش رو حاکی از آن است که آفت های هم چون دروغ گوئی، غیبت کردن، فاش کردن اسرار، پرحرفی، بیهوده گوئی، سخن چینی، و عیب جوئی، از پیامد بالای در احادیث معصومین علیهم السلام برخوردار هستند، این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی به رصد کردن روایاتی که محتوای آفت های زبانی در احادیث معصومین علیهم السلام پرداخته است.

کلید واژه: آفت های زبان، غیبت، دروغ، نمایی، سخن چینی، عیب جوئی.

مقدمه

زبان یکی از نعمت های بزرگ خداوند است که آن را به انسان بخشیده است تا از طریق آن بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند و آنچه را در تخیل و حافظه است به انسان های دیگر انتقال دهد، زبان از نظر جرم کوچک است ولی اطاعت و فرمان برداری و نقطه مقابل آن گناه و معصیت زبان هر کدام بسیار عظیم است، چون کفر و ایمان، هر کدام بوسیله زبان آشکار می گردند، کفر نهایت گناه، و ایمان بالاترین طاعت است، هر کدام از اعضای بدن کاری انجام می دهد مثلاً چشم می بیند، گوش می شنود، بینی بوها را استشمام می کند، پوست حس میکند، ولی زبان استاد همه این میدان ها است بنا براین زبان اگر رها شود شیطان آن را به هر میدانی که دوست داشته باشد می کشاند و انسان را به لبه پرتگاه میرساند اگر انسان بخواهد از شر زبان رها گردد باید آنرا افسار شرع ببندد و آنرا در مسیر زندگی رها نکند مگر اینکه نفع دنیا و آخرتش در آن باشد، همان گونه که اشاره شد به همان نسبت برکات زبان زیاد است آفات و خطرات و گناهیانی که بوسیله زبان انجام می شود و آثار مخربی در فرد و جامعه دارد بسیار زیاد است لذا اصول کلی برای دفع خطرات زبان در عین حال که یکی از نعمت های بزرگ خداوند است تاچه اندازه خطرناک هم می تواند باشد تا آن جا که سرچشمه گناهان بی شمار می گردد و خرمن سعادت انسان را به آتش می کشد باید به فکر بود که رعایت کدام اصول می تواند این خطر بزرگ را برطرف کند یا به حداقل برساند به همین جهت از احادیث معصومین علیهم السلام که بهترین الگو برای انسان ها است درسیر و سلوک الی الله بعنوان اصول کلی برای مبارزه با همه آفات و خطرات از جمله زبان از آن منبع نور استفاده کنیم قبل از این که آفت های زبان را نام ببرم چند نکته در رابطه با فضیلت سکوت بیان می کنم: فضیلت سکوت به راستی ضرر و زیان های زبان بسیارند که تنها با سکوت می توانیم از آنها نجات. پیدا کنیم در حدیث از پیامبر (ص) که فرمود: (من صمت نجا) یعنی کسی که سکوت پیشه کند از عذاب نجات پیدا می کند پس هر وقت خواستیم سخن بگویم این آیه را متذکر شویم (ما یلفظ من قول الا لده رقیب عتید) سوره ق آیه ۱۸: یعنی انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی راند مگر این که فرشته ای مراقب و آماده برای دریافت و نگارش آن سخن است.

تعریف و تبیین موضوع :

زبان عضوی است ماهیچه ای و بیضی شکل که از ته به انتهای کف دهان و به استخوان لامی چسبیده و دارای یک سطح فوقانی و یک سطح تحتانی و دو لبه جانبی و یک نوک می باشد و در بین اعضای انسان از اهمیتی خاصی برخوردار است و وظایفی را عهده دارد که به نحو احسن انجام می دهد، و زبان سه کار عمده دارد: جویدن و بلعیدن غذا، به کمک زبان انجام می گیرد، بطوری که اگر زبان به حرکت در نیاید خوردن غذا مشکل و گاهی غیر ممکن است. ۲- طعم و مزه های مختلف و گوناگون (شربنی، تلخی، شوری، ترشی، و.. به وسیله زبان تشخیص داده می شود. ۳- افکار و اندیشه های انسان و مقصود و سخنان او با زبان ظاهر ارائه می شود و به عبارت روشنتر سازنده و خلاق اصلی سخن زبان است و به این جهت است ما با توجه به روایات و احادیث، روی کار سوم زبان که همان نقش بیان گری آن است تکیه می کنم، و از این زاویه مورد توجه قرار می دهم. امام سجاد (ع) فرمود: ۱- پاک سازی زبان حق زبان باز داشتن و پاک نمودن آن از فحش است. ۲- بهسازی زبان حق زبان عادت دادن آن بر نیک گوئی و ادار کردنش به مودبانه سخن گفتن است. ۳- خود داری از سخنان بی مورد و بی فائده یعنی ساکت نمودن آن مگر به مقدار نیاز و لزوم دین و دنیا و باز داشتن آن از حرف های زائد.

پیشینه موضوع :

شاید برای بعضی ها این سوال مطرح شود که اعضای یک فرد چگونه بر او حق پیدا می کند و از او طلب کار می شوند در حالی که اعضای او نه از خود شعوری دارند نه استقلالی همه می دانیم که اعضاء و جوارح انسان اسباب کار و وسیله زندگی و ارتباطات او است و انسان با توجه به این که می تواند این اعضاء را در موارد مختلف به کار گیرد مالک حقیقی این اعضاء با توجه به مصالح فردی و اجتماعی نوع بشر شرائطی را در کار برد آنها بر انسان قرار داده است و او را موظف کرده است که با این شرائط بکار برد. روش تحقیق: روش تحقیق جهت مطالعه علمی موضوع تحقیق حاضر، عبارت است از روش کتاب خانه ای که پس از جمع آوری مطالب و فیش برداری از آنها موضوعات مربوطه مشخص و مطالب بر طبق آنها دسته بندی شده و در مرحله بعد چینش این مطالب و سر انجام شکل دادن و مرتبط ساختن کل مطالب جهت تبیین موضوع اصلی در

پژوهش است. ، آفات زبان چیست؟:

آفات زبان: ۱- دروغ ۲- غیبت ۳- سخن چینی ۴- فحاشی ۵- تحقیر مومن ۶- مدح نابجا ۷- تبعیض ۸- سخریه ۹- به اصل نسب کسی طعنه زدن ۱۰- تفاخر به تجملات و مردگان ۱۱- پرحرفی ۱۲- شهادت دروغ ۱۳- عیب جوئی ۱۴- تهمت زدن ۱۵- خلف وعده ۱۶- سرزنش ۱۷- انکار نسب تحقیق درباره گناهان و آفت و خطرات زبان از منظر روایات و احادیث معصومین (ع).

آفات از نظر لغت :

به معنی بلاها، بلیه ها، و ضررها است:(لغت نامه دهخدا). و به معنی کمبود، کمی، کم، و کاست و نقصان نیز آمده (فرهنگ فارسی عمید).

دروغ گوی:

از منظر احادیث معصومین (ع) یکی از آفات زبان دروغ گوی است که از گناهان کبیره است که هم در قرآن از آن نهی شده، و هم در احادیث معصومین علیهم السلام که من در این جا از منظر احادیث و روایات معصومین علیهم السلام ارائه می دهم ۱- رسول اکرم (ص) فرموده دروغگو دروغ نمی گوید مگر به سبب حقارتی که در نفس خود احساس میکند، (مستدرک ج ۲ ص ۱۰۰). مردی به رسول اکرم (ص) عرض کرد مرا به عملی راهنمای کن که باعث قرب من به خدا شود حضرت در جواب فرمود: دروغ نگو این دستور باعث شد که آن مرد از تمام گناهان اجتناب نماید، زیرا قصد هر گناهی را که می نمود متوجه می شد یا در آن گناه دروغ وجود دارد یا سر انجام او را به دروغ گوی می کشاند برای اینکه آورده به دروغ نگردد تمام گناهان را ترک کرد. (مستدرک ج ۲ ص ۱۰۰) ۲- امام علی (ع) فرمود شایسته نیست آدمی به جد یا به شوخی دروغ بگوید، شایسته نیست کسی به فرزند خود وعده ای بدهد و به آن وفا ننماید. (وسائل الشیعه ج ۳ ص ۲۳۲). ۳- امام باقر (ع) می فرمودند: که حضرت سجاد (ع) به فرزندان خود نصیحت می کرد و می فرمود از گناهان کوچک و بزرگ جدی یا شوخی پرهیز نماید و پیرامون آن نگردد زیرا آدمی وقتی دروغ کوچک گفت جرات می کند دروغ بزرگ بگوید. (وسائل ج ۳ ص ۲۳۲) ۴- از وصایای امام علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) این بود که می فرمود ناخوشی دروغ گوی از تمام ناخوشی ها قبیح تر و نا پسند تر است (مستدرک ج ۲ ص ۱۰۰) - امام رضا علیه السلام فرمود از رسول اکرم (ص) پرسیدند ممکن است مومن ترسو باشد؟ فرمود بلی، گفتند

ممکن است بخیل باشد؟ فرمود بلی، گفته شد ممکن است کذاب باشد فرمود نه. (وسائل ج ۳ ص ۲۳۲). ۶- امام باقر (ع) فرمود: دروغ گوی ویرانی ایمان است (کافی ج ۲ ص ۳۳۹). ۷- امام علی (ع) فرمود: هیچ کس لذت ایمان را درک نمی کند مگر وقتی که دروغ را به کلی ترک کند خواه شوخی یا جدی (کافی ج ۲ ص ۳۳۹ ح ۳۴۰) ۸- امام موسی بن جعفر (ع) به هشام فرمود: انسان عاقل دروغ نمی گوید اگر چه دروغ وسیله برآمدن خواهش های نفسانی او باشد. (تحف العقول ص ۳۹۱). ۹- امام سجاد (ع) بعضی از فرزندان خود را مخاطب قرار داد و فرمود فرزند عزیز متوجه پنج گروه باش که با آنان مجالست نکنی هم کلام نشوی و در مسافرت با آنان رفتار ننمای عرض کردند پدر جان آنان کیا نند؟ حضرت فرمود از مجالست دروغ ساز پرهیز کن چه او مانند سرآبی است که مطالب را خلاف واقع نشان می دهد، دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می دهد، از رفاقت با گنا هکاران و لا ابا لی اجتناب کن زیرا او ترا به بهای یک لقمه یا کمتر از آن می فروشد، از رفاقت بخیل پرهیز نما که او در ضروری ترین مواقع احتیاج تو را یاری نخواهد کرد، از رفاقت با احمق اجتناب کن که او نفعت را اراده می کند و از نادانی به تو ضررمی زند، از مصاحبت کسی که قطع رحم کرده است پرهیز که در کتاب آسمانی مورد لعن و نفرین قرار گرفته است. (تحف العقول ص ۲۷۹). ۱۰- محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم عن اسحاق بن عمار عن ابی نعمان قال قال ابو جعفر علیه السلام یا ابا نعمان لا تکذب علینا فتسلب الحنیفیه ولا تطلبن ان تکون راسا فتکون ذنبا ولا تستاکل الناس بنا فتفتقر فانک موقوف لا محاله و مسئول فان صدقت صدقناک وان کذبت کذبناک، ابی نعمان گوید امام باقر علیه السلام فرمود: ای ابا نعمان بر ما دروغی نیند تا دین توحید او بر باد رود و مبادا بخواهی که سر باشی تا دنباله شوی، و بوسیله ما مردم را مخور تا فقیر و بیچاره شوی براستی که ناچار تو را باز دارند از تو باز پرسى کنند اگر راست گوئی ما تو را تصدیق کنیم و اگر دروغ گوئی ما تو را تکذیب کنیم. (اصول کافی ج ۵ ص ۲۸۷). ۱۱- عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن اسماعیل بن مهران عن سیف بن عمیره عن حدثه عن ابی عن ابی جعفر علیه السلام قال کان علی بن الحسین صلوات الله علیهما یقول لولده اتقوا الکذب الصغیر منه و الکبیر فی کل جد و هزل فان الرجل اذا کذب فی الصغیر اجترى علی الکبیر اما علمتم ان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم قال ما یزال العبد یکذب حتی یکتبه الله کذابا. از امام باقر علیه السلام که از علی بن الحسین علیه السلام به فرزندانش می فرمود: از دروغ پرهیزید چه کوچک باشد چه بزرگ جدی باشد یا شوخی زیرا چون کسی دروغ کوچکی گفت به دروغ بزرگ دلیر می شود، آیا

ندانید که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود بنده پیوسته راست گوید تا خدا او را صدیق نویسد و بسا بنده ای که پیوسته دروغ گوید تا خدا او را کذاب نویسد (اصول کافی ج ۵ ص ۲۸۸). ۱۲- عنه عن عثمان بن عیسی عن ابن مسکان عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام قال: (ان الله عزوجل جعل للشراقفالا، وجعل مفاتيح تلك الاقفال الشراب والكذب والشراب).: امام صادق علیه السلام فرمود: براستی خدا برای شرب و بدی قفل ها مقرر کرده و کلید آنها را شراب مقرر ساخته و دروغ بدتر از شراب است. (اصول کافی ج ۵ ص ۲۸۹). ۱۳- عنه عن ابیه عن ذکروه عن محمد بن عبد الرحمن بن ابی لیلی عن ابیه عن ابی جعفر علیه السلام قال ان الکذب هو خراب الايمان: امام صادق علیه السلام فرمود: راستی دروغ ویران کننده ایمان است. (اصول کافی ج ۵ ص ۲۸۹). ۱۴- الحسين بن محمد عن معلى بن محمد وعلی بن محمد عن صالح بن ابی حماد جمیعا عن الوشاء عن احمد بن عا نزع عن ابی خدیجه عن ابی عبد الله علیه السلام قال الکذب علی الله وعلی رسوله صلی الله علیه وآله وسلم من الکبائر: امام صادق علیه السلام فرمود: دروغ بر خدا و رسولش از گناهان کبیره است. (اصول کافی ج ۵ ص ۲۸۹). ۱۵- محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم عن ابان الاحمر عن فضیل بن یسار عن ابی جعفر علیه السلام قال: ان اول من یکذب الکذا بالله عز وجل ثم الملکان اللذان معه ثم هو یعلم انه کاذب: اما باقر علیه السلام فرمود: نخست کسی که دروغ گو را تکذیب کنند خدا عزوجل است و سپس دو فرشته ای که با اویند سپس خود هم می دانند که دروغ گو است. (اصول کافی ج ۵ ص ۲۸۹). ۱۶- علی بن الحکم عن ابان عن عمر بن یزید قال: سمعت ابا عبدالله (ع) یقول ان الکذاب یهلک با البینات ویهلک اتباعه با الشبهات: از عمر بن یزید که شنیدم از امام صادق علیه السلام می فرمود: راستی کذاب با بینه هلاک شود و پیروانش به وسیله اشتباه هلاک شوند. (اصول کافی ج ۵ ص ۲۹۱). ۱۷- محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن ابن ابی نجران عن معاویه بن وهب قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول ان آیه الکذاب بان یخبرک خبر السماء والارض والمشرق والمغرب فاذا سألته عن حرام الله وحلاله لم یکن عنده شیء: از معاویه بن وهب گوید شنیدم از امام صادق (ع) می فرمود: راستی نشانه دروغ گو این است که به تو از آسمان و زمین و مشرق و مغرب خبر می دهد و هر گاه از حرام خدا و حلالش از او پرسوی چیزی ندارد که جواب گوید. (اصول کافی ج ۵ چاپ جدید ص ۲۹۱). ۱۸- علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن منصور بن یونس عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول ان الکذبه لتفطر الصائم قلت واینا لایکون ذلک منه؟ قال: لیس حیث

ذهبت انما ذلك الكذب على الله وعلى رسوله: از ابی بصیر که شنیدم آن حضرت می فرمود: راستی یک دروغ روزه دار را روزه خوار کند، گفتم کدام ماها هستیم که یک دروغ نگوییم؟ فرمود چنان نیست که تو فهمیدی، هما نا مقصود، دروغ بستن به خدای عزوجل و پیغمبر خدا (ص) وائمه (ع) است. (اصول کافی ج ۵ ص ۲۹۱).

غیبت از منظر لغت

معنای لغوی غیبت: در فارسی بمعنی غائب شدن، نا پیدا شدن، پنهان شدن از نظر، نهان بودن، پشت سرکسی. (فرهنگ فارسی عمید).
معنای اصطلاحی غیبت: بد گوی از مومنین در غیاب آنها، غیبت نا میده می شود (المنجد).

غیبت از منظر احادیث ائمه (ع):

غیبت نیز از گناهان کبیره است که در قرآن کریم و در روایات معصومین (ع) از آن نهی شده و مورد نکوهش خداوند سبحان است و مجازات سخت برای غیبت کننده است که در این جا روایات و احادیث که از معصومین (ع) در مذمت این وارد شده فرا روی دانش پژوهان قرار می دهیم: ۱- امام صادق (ع) الغیبه حرام علی کل مسلم وانها لتاکل الحسنات کما تاکل النار الحطب. غیبت کردن بر هر مسلمانی حرام است، غیبت مانند آتشی که هیزم را با حرص و ولع می خورد حسنات انسان را بکلی از بین می برد (مستدرک ج ۹ ص ۱۱۷) ۲- پیا مبر اکرم (ص) الغیبه ان یذکر الرجل بما یکره ان یسمع. غیبت کردن یعنی انسان در غیاب کسی سخن بگوید که او بدان رضایت ندارد (الشهاب فی الحکم والا دآب ص ۱۰). ۳- مولی امیر المومنین (ع) الغیبه جهد العا جز. غیبت کردن آخرین تلاش افراد زبون و نا توان است (نهج البلاغه کلمه ۴۵۳). پیامبر گرامی اسلام (ص) ایاک والغیبه فان الغیبه اشد من الزنا: بر حذر باش و از غیبت کردن پرهیز گناه غیبت از گناه (عمل شنیع) به مراتب بزرگ تر است (بحار ج ۷۷ ص ۱۱۲) ۴- مولی امیر المومنین (ع) ما عمر مجلس با الغیبه الا خرب بالمدین: هر کس مجلسی و محفلی که در آن غیبت کردن گرم و پیر رونق باشد به همان نسبت دین و ایمان افراد آن محفل تباه و از دست رفته است (بحار الانوار ج ۷۵ ص ۲۵۹). ۵- امیر المومنین (ع) الغیبه آیه المنافق: غیبت کردن علامت آدم منافق است (میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۳۳). ۶- امام زین العابدین (ع) ایاک والغیبه فا نها ادم الکلاب

النار: بر حذر باش از غیبت کردن که غیبت خوراک سگ های جهنم است. (بحار ج ۷۸ ص ۷۸۱، ۱۶۱). ۷- المغتاب هو المحجوب عن الجنة: کسی که غیبت میکند قطعا به بهشت راه نمی دهد (مستدرک ج ۹ ص ۱۲۵) ۸- علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلي عن السكوني عن ابي عبد الله (ع) قال قال: رسول الله (ص) الغيبه اسرع في دين الرجل المسلم من الاكله في جوفه.: از رسول خدا (ص) فرمود: غیبت زودتر در دین مرد کارگرمی شود از بیماری خوره در درون او. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۳۰) ۹- قال: وقال رسول الله (ص) الجلوس في المسجد انتظار الصلاة عبادة ما لم يحدث قال يا رسول الله وما يحدث؟ قال الا غتيا ب: رسول خدا (ص) فرمود نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است تا حدثی سر نزند عرض شد یا رسول الله (ص) حدث چیست؟ فرمود غیبت کردن است. (اصول کافی همان). ۱۰- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن بعض اصحابه عن ابي عبد الله (ع) قال: من قال في مومن ما راته عيناه وسمعته اذناه فهو من الذين قال الله عز وجل: ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشه في الذين آمنوا لهم عذاب اليم): از امام صادق (ع) فرمود: هر که در باره مو منی بگوید آنچه رادو چشمش دیده ودو گوشش شنیده پس او از کسانی است که خدا در باره آنان فرموده: (سوره نور آیه ۱۸) راستی آن کسانی که دوست دارند فاش کنند هرزه گی رادر باره آن کسانی که گرویده وایمان آورده اند از آن انها است عذاب دردناک. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۳۱). ۱۱- الحسين بن محمد عن معلى بن محمد عن الحسن بن علي الوشاء عن داود بن سرحان قال سالت ابا عبد الله (ع) عن الغيبه قال هو ان تقول لا خيك في دينه ما لم يفعل وتبث عليه امرا قد ستره الله عليه لم يقم عليه فيه حد.: از داود بن سرحان گوید از امام صادق (ع) از غیبت پرسیدم فرمود: آن این است که برادر دینی خود را یاد کنی به کاری که نکرده ودنبال او منتشر کنی امری را که خدا براو پوشانیده وحدی بر او در باره آن اقامه نشده است) اصول کافی ج ۵ ص ۳۳۱). ۱۲- عده من اصحابنا عن احمد بن ابي عبد الله (ع) عن ابيه عن هارون بن الجهم عن حفص ابن عمر عن ابي عبد الله (ع) قال سئل النبي (ص) ما كفاره الا غتيا ب؟ قال تستغفر الله لمن اغتبته كلما ذكرته.: از امام صادق (ع) که از رسول خدا (ص) پرسیدند كفاره غیبت چیست؟ در پا سخ فرمود: آمرزش جوئی برای کسی که او را غیبت کردی هر وقت به یاد او افتادی (اصول کافی ج ۵ ص ۳۳۳).

سخن چینی:

سخن چینی از گناهان مربوط به زبان است در روایات سخن چینی به شدت مورد مذمت

قرار گرفته و عذاب های سختی برای آن شمرده است روایات. ۱- مولی امیر المومنین (ع) من اطاع الواشی ضیع الصدیق: کسی که به حرف آدم سخن چین گوش دهد دوستان خود را از دست خواهد داد. (نهج البلاغه کلمه ۲۳۱). ۲- پیا مبر اسلام (ص) من خالفت سریرته علا نیته فهو منا فق: منافق آن کسی است که ظا هرش بر خلاف باطنش باشد (سفینه ج ۲ ص ۶۰۶). ۳- مولی امیر المومنین (ع) ما اقبیح با الا نسان ان یکون ذا وجهین: چه قدر قبیح است که انسان دارای دو چهره متضاد و متفاوت باشد. (فهرست غرر ص ۳۹۵). ۴- پیا مبر اکرم (ص) بئس العبد عبد همزه یقبل بوجه و ید بر بوجه: آدم دو رو تا چه اندازه پست و نکوهیده است در حضور یک چهره دارد و در غیاب چهره ای دیگر. (الشهاب فی الحکم والا داب ص ۱۸). ۵- مولی امیر المومنین (ع) المنافق مکور مضر مرتاب: آدم منافق فردی است مکار حیلہ گر زبان رسان و همیشه محل شک و اتهام است. (فهرست غرر الحکم ص ۳۹۴). ۶- امام سجاد (ع) المنافق ان حد شک کذ بک وان وعدک اخلفک وان ائتمنته خانک وان خالفته اغتابک (منافق کسی است هرگاه با تو حرف می زند، دروغ می گوید، و اگر به تو وعده می دهد خلف وعده می کند هر وقت امانت به او سپردی به تو خیانت می نماید چنانچه به او مخافت نمای در پشت سر تو را غیبت می کند (بحار الانوار ج ۷۲ ص ۲۰۵). ۷- پیا مبر اکرم (ص) فرمود من شر الناس عند الله عز وجل یوم القیامه ذو الوجهین: آدم دو چهره در روز قیامت یکی از بدترین مردم نزد خداوند متعال به شمار می رود. (خصال ج ۱ ص ۲۰). ۸- از امام صادق (ع) که رسول خدا (ص) فرمود شما را به بدترین خودتان آگاه نکنم؟ گفتند چرا؟ یا رسول الله فرمود آنها که به سخن چینی روند و میان دوستان جدای اندازند و برای پاکان عیب جویند. (اصول کافی ج ۵ ص ۲۶۲). ۹- از امام باقر (ع) فرمود: بهشت بر دروغ تراشانی که برای سخن چینی روند حرام است (اصول کافی ج ۵ ص ۲۶۳). ۱۰- از امام صادق (ع) که امیر المومنین (ع) فرمود: بدان شما آنها یند که به سخن چینی روند و میان دوستان جدائی افکنند و برای پاک دامنان عیب جویند. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۶۳).

بد زبانی و فحاشی:

بد زبانی و فحش دادن در اسلام شدیداً مورد مذمت و نهی قرار گرفته بد زبانی و فحاشی بر اساس روایات و متون دینی بطور کلی حرام فرق ندارد که طرف مقابل مسلمان باشد یا کافراز این جهت دور از شان فرد مومن است که به این عمل قبیح مبادرت کند، فحش دادن و بد زبانی بر

علاوه آثار منفی در بعد فردی دارد در بعد اجتماعی پیامدهای مخربی بر جای می‌گذارد این عمل خود بخود سبب ایجاد کینه و کدورت بین افراد و به دنبال آن سبب سستی روابط و ایجاد چالش در تعاملات اجتماعی می‌شود، بر این اساس پیامبر (ص) وائمه اطهار (ع) از جانب خداوند پیامدهای شومی را بر این عمل در نظر گرفته‌اند از جمله آنکه پیامبر خدا (ص) فرمود خداوند بهشت را حرام کرده بر هر دشنام دهنده بی‌حیای که از آن چه می‌گوید واز آنچه به او گفته می‌شود باکی ندارد و متاثر و ناراحت نمی‌شود (ان الله حرم الجنه علی کل فحاش بذی قلیل الحیاء لا یبالی ما قال ولا ما قیل له) (الکافی طبع اسلامیه ج ۲ ص ۳۲۳) احادیث عجیب دیگری در ریشه یابی بیماری فرد فحاش و بد زبان در بیان معصومین علیهم السلام ذکر شده است، اسباب فحش: ۱- غضب وقتی انسان از فردی ناراحت و خشمگین می‌شود و قصد آزار و اذیت او را داشته باشند به او ناسزا و دشنام می‌دهد. ۲- عادت وقتی شخصی با فسق و فجارت و اراذل و اوباش و افراد پست و فرومایه مجالست و هم‌نشینی کند و با آنها رفیق و مانوس گردد به تدریج روحیات و خلیقات آنها در او اثر می‌کند و از آنجا که سخنان عادی آنها توأم با هرزه‌گویی و فحاشی به یک دیگر است به او هم سرایت می‌کند و ابتداء گاه گاهی آن الفاظ رکیک را بر زبان جاری می‌سازد و به زشتی آن کلمات توجه دارد ولی بعد از مدتی قبح آن الفاظ از نظرش زائل شده و فحش دادن و فحش شنیدن برایش بصورت امری عادی در می‌آید و بجای می‌رسد که در شرائط معمولی بطور ناخود آگاه این الفاظ زشت بر زبانش جاری می‌شود و کمتر سخنی می‌گوید که چاشنی آن فحش و ناسزا نباشد. معالجه این آفت الف: از مقدمات پیدایش غضب اجتناب کند تا نسبت به مومنین به خشم نیاید. ب: غضب خود را فرو نشاند. ج: از معاشرت با اهل فسق و فساد پرهیز نماید. احادیث در مورد بد زبانی و فحش دادن: ۱- امام صادق (ع) فرمود فحش دادن ظلم است و ظالم در آتش دوزخ قرار دارد (کافی ج ۲ ص ۳۲۵). ۲- پیامبر اکرم (ص) فرمود خداوند بهشت را حرام کرده بر دشنام دهنده بی‌حیای بی‌آبرو. (کافی ج ۲ ص ۳۲۳، وسائل ج ۱۱ ص ۳۲۹). ۳- و نیز فرمود هرگاه شخصی را دیدید که نسبت به آنچه می‌گوید یا در باره او گفته می‌شود بی‌مبالا و بی‌تفاوت است پس همانا او با زنا زاده است و یا شیطان شریک او بوده. (کافی ج ۲ ص ۳۲۳، وسائل ج ۱۱ ص ۳۲۹، تحف العقول ص ۴۳). ۴- و نیز فرمود فحش به مومن مانند نزدیک شدن به مرگ است (کافی ج ۲ ص ۳۵۹، وسائل ج ۸ ص ۶۱۱). ۵- هم چنین فرمود فحش به مومن فسق، و جنگ با او کفر است (کافی ج ۲ ص ۳۶۰). ۶- از امام صادق (ع) که رسول خدا (ص) فرمود: دشنام بر مومن چون پرت شدن در هلاک است چون کار

کسی است که در پرتگاه هلاک است دشنام گوئی بر مومن چون پرت شدن در هلاکت است. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۳۷). ۷- از امام باقر (ع) که رسول خدا (ص) فرمود: دشنام گوئی به مومن با بکاری است بی ایمانی است و جنگیدن با او کفر است و خوردن گوشتش بد گوئی از او در پشت سرش گناه است. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۳۹ ح ۲). ۸- از امام باقر (ع) که مردی از بنی تمیم خدمت پیغمبر (ص) آمد و به او عرض کرد: به من سفارش کن و در ضمن سفارش به او فرمود به مردم دشنام ندهید تا میان آنها کسب دشمنی کنید. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۳۹ ح ۳). ۹- از عبد الرحمن بن حجاج از ابی الحسن موسی (ع) در باره مردی که بهم دشنام دهند فرمود: آنکه آغاز به دشنام کرده ستم کار تر است و گناه او و گناه طرفش به عهده اوست تا وقتی از ستم دیده عذر نخواسته (اصول کافی ج ۵ ص ۳۳۹). ۱۰- از امام باقر (ع) فرمود: هرگز مردی به مردی گواه به کفر نشود (یعنی به او بگوید) ای کافر جز آن که یکی از دو نفر آنها بدان گرفتار اند اگر گواهی داده است به کفر کافری که راست گفته و اگر به کفر مومنی گواهی داده است به خود او بر گردد مبادا به مومنان طعن بزنید. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۳۹ ح ۵).

تحقیر بنده مومن:

احادیث و روایات فراوانی است که کسانی که مومنین را تحقیر می کند به شدت نکوهش شده است، در این مورد به چند حدیث از معصومین (ع) اکتفاء می کنیم: ۱- قال رسول الله (ص) من استدل مومنا و مومنه او حقر لفقره او قله ذات یده شهره الله تعالی یوم القیامه یفضحه: پیامبر خدا (ص) فرمود هر کس مرد مومن یا زن مومنه را به خاطر فقرش خوار و حقیر شمارد خداوند متعال در روز رستاخیز او را انگشت نما و سپس رسوایش کند (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۴۴ ح ۷۲). ۲- قال رسول الله (ص) من اذل مومنا اذله الله: نبی اکرم (ص) فرمود هر کسی شخص مومنی را تحقیر کند خداوند او را خوار و ذلیل میکند (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۴۶ ح ۷۵). ۳- اما صادق (ع) فرمود: خدای عزوجل فرمود با ید به جنگ با من اعلام شود هر که بنده مومن مرا اذیت و آزار کند (اصول کافی ج ۵ ص ۳۱۷). ۴- از مفضل بن عمر که امام صادق (ع) فرمود: چون روز رستاخیز شود یک جار چی جار زند کجایند روگردانان از دوستانم؟ پس مردمی برپا شوند که چهره آنها گوشت ندارد و گفته شود اینا نند آن کسانی که مومنان را آزرده و در برابر آنها ایستادند و با آنها لجاجتی کردند و به آنها در دین شان سخت گرفتند سپس فرمان شود که آنها را به دوزخ برند (اصول کافی ج ۵ ص ۳۱۷ ح ۲). ۵- از امام صادق

(ع) که از رسول خدا فرمود: خدای تبارک و تعالی فرموده است: هرکس به یک دوستی از من اهانت کند محققا به جنگ با من کمین کرده. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۱۹ ح ۳). ۶- امام صادق (ع) فرمود: هر که مومن مستمند یا غیر مستمند را خوار شمارد پیوسته خدای عزوجل او را خوار و دشمن دارد تا از خوار شمردن آن مومن برگردد. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۱۹). ۷- از حماد بن بشیر گوید: از امام صادق (ع) شنیدم می فرمود: رسول خدا (ص) فرمود خدای عزوجل فرماید: هر که دوستی از مرا اهانت کند محققا برای نبرد با من کمین کرده است، و هیچ بنده با عملی به من نزدیک نشود که محبوب تر باشد نزد من از عمل بدانچه براو واجب کردم و برآستی که او با انجام نماز نافله به من تقرب جوید تا آن جا که او را دوست دارم و چون او را دوست داشتم، گوش او شوم که بان بشنود و چشم او شوم که با او بیند و زبان او شوم که با آن بگوید (اصول کافی ج ۵ ص ۳۲۱). ۸- رسول خدا فرمود: پروردگرم مرا به معراج شبانه برد و از پشت پرده به من وحی کرد آنه را وحی کرد و بامن بی واسطه سخن گفت تا آنکه به من فرمود: ای محمد هر که دوستی از دوستان مرا خوار کند محققا به نبرد با من کمین کرده و هر که با من بجنگد من با او بجنگم گفتم پروردگارا این دوست تو کیست؟ من دانستم هر که با تو بجنگد با او می جنگی فرمود: آن کسی که از او پیمان گرفتم به دوستی و پیروی از تو و از وصی تو و از ذریه تو. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۲۳) ۹- از امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: نزدیک ترین وضعی که بنده به کفر دارد این است که با مردی برادر دینی باشد و لغزشها و خطاهای او را شماره بگیرد تا یک روزی او را با آن سرزنش کند. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۲۵). و: تحقیر در قصص و احادیث قال لقمان لابنه یا بنی لا تحقرن احدا بخلقان ثیابه فان ربک واحد: لقمان حکیم به فرزندش گفت پسر من هیچ کس را بخاطر کهنه بودن و پاره گی جامه اش حقیر و کوچک بدان زیرا پروردگار تو او را یکی است: ز: تمسخر کردن آیات و روایات در مذمت این آفت زیاد داریم به جهت عدم اطلاع و عدم گنجایش این مقاله به یک حدیث و دو حکایت در این مورد اکتفاء میشود: ۱- قال الامام زین العابدین (ع) والذنوب الذی تنزل النقم عصیان العارف با البغی والتطاول علی الناس والا استهزاء بهم والسخریه منهم: امام سجاد (ع) فرمود: گناهایی که موجب نزول عذاب می شود عبارت است از ستم کردن شخص از روی آگاهی، تجا و ز به حقوق مردم، و دست انداختن و مسخره کردن آنان (معانی الاخبار ص ۲۷۰). حکایت: نصایح مردی که سنگ سار شد، روزی مردی نزد عیسی بن مریم آمد و گفت یا روح الله من معصیت کار و آلوده ام مرا پاک کن حضرت عیسی دستور داد منادی در بین مردم ندا دهد هیچ کس در خانه ها نماند مگر اینکه برای اجراء حد از خانه بیرون

بباید وقتی همه حاضر شدند گودالی کند ند مرد را داخل گودال قرار دادند درین هنگام آن مرد با صدای بلند فریاد زد گفت: ای مردم کسی که خود گناه کار است درگردنش حد الهی وجود دارد حق ندارد مرا حد بزند با شنیدن این سخن همه مردم باز گشتن به خانه های شان جزء حضرت عیسی و حضرت یحی که ماندن حضرت یحی جلو رفت به آن مرد گفت ای گنه کار مرا موعظه کن مرد گناه کار گفت هیچ گاه نفس خویش را به حال خود رها نکن که ترا به پستی و خواری بکشاند حضرت یحی فرمود بیشتر بگو گفت هیچ گاه خطا کاری را به خاطر خطا یش سرزنش نکن فرمود باز هم بیشتر بگو عرض کرد هرگز خشمگین نشو حضرت عیسی فرمود همین قدر پند و اندرز و موعظه بس است ، همیشه نوش دارو باشید - نه نمک پاش زخم مردم . ح- دیگر از آفات زبان این است که مدح کند کسی را که قابل مدح نیست:

۱- قال امیر المومنین (ع) ما دح الرجل بما لیس فیہ مستهزء به : امیر مومنین (ع) فرمود کسی که انسانی را مدح کند به آنچه که در او نیست در حقیقت مسخره وریش خندش می کند .

عیب جوی:

دیگر از آفات زبان عیب جوی مسلمانان است احادیث در مذمت این اوصاف رذیله فروان است که بچند حدیث می پردازم: ۱- قال الصادق (ع) من عاب اخاه بعیب فهو من اهل النار : امام صادق (ع) فرمود : هرکس بواسطه عیبی برادر مسلمان خود را سرزنش کند از اهل آتش است . ۲- قال رسول الله (ص) لا تظهروا الشماتة باخیک فیر حمه الله ویتلیک: رسول خدا (ص) فرمود هرگز آشکارا برادر مسلمانان سرزنش مکن زیرا ممکن است خداوند کریم رحم کند او را عافیت بخشد ولی تو را به همان بلا و مصیبت مبتلا سازد . ۳- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: من شمت بمصیبه نزلت باخیه لم یخرج من الدنیا حتی یفتن : امام صادق (ع) فرمود هرکس برادر مسلمان خود را به سبب مصیبتی که گرفتار آن شده شما ت کند و از آن شاد کام باشد از دنیا نمی رود تا به آن مصیبت و بلا گرفتار شود . (ی: تبعیض امام باقر (ع) فرمود در زمان پیغمبر (ص) یک روز ابو ذر مردی را که مادرش سیاه پوست بود سرزنش کرده به او گفت ای زاده سیاه پیا مبر اکرم (ص) وقتی از این موضوع با خبر شد به ابو ذر فرمود ای ابو ذر آیا آن مرد به واسطه مادرش که سیاه پوست است سرزنش می کنی وقتی ابو ذر این جمله را از پیامبر (ص) شنید سرو صورت خود را آن قدر روی خاک مالید تا این که رسول خدا راضی شد . ک: کسی را به خاطر ظاهرش مسخره نکند: ۱- ام سلمه همسر پیامبر (ص) همیشه کمر خود را با پارچه سفید می بست و دو

طرف پارچه راهبم گره می زد و آویزان میکرد روزی عایشه به خاطر سر زنش و تمسخر ام سلمه به حفصه گفت این را نگاه کن چطور این زبان سگ را بد نبال می کشد بعضی مفسرین گفته اند آیه ۱۱ سوره حجرات در رابطه به این موضوع نازل شده والله اعلم بالصواب تا مردم از مسخره کردن سر زنش نمودن و عیب جوئی دست بر دارند. (۲-امام صادق (ع) از پدران خود از امیر المومنین (ع) نقل می فرمایند که حضرت فرمود پیا مبر اکرم (ص) ضمن وصایا و سفارشات خود به من فرمود یا علی (وان لا تقول لقصیر یا قصیر ولا طویل با طویل نرید بذلک عیبه وان لا تسخر من احد من خلق الله : ای علی هیچ گاه بعنوان عیب جوی و تحقیر و توهین و سرزنش به کوتاه قامت نگو ای کوتاه و به بلند قامت نگو ای درازوهر گز هیچ یک از خلق خدا را استهزاء و مسخره نکن .

طعنه زدن:

به اصل و نسب کسی طعنه نزن حکایت: پاسخ حکیم دیو جانس یک روز شخصی در میان راه با دیو جانس برخورد کرد و در رابطه با اصل و نسبش به او طعنه زد حکیم در مقابل طعنه جاهلانه او گفت : ای مرد در نظر تو اصل و نصب من عیب من است اما در نظر من تو با این سخن و عمل زشتت عیب اصل و نسب و قوم و خویش خود هستی ، در باره زندگی دیو جانس حکیم و فیلسوف یونانی نقل شده است که او ثروت و دارای را تحقیر می کرد و از آن بیزار بود چنان که مشهور است در میان خمیره ای یل چیلکی مسکن داشت و در نهایت قناعت زندگی می کرد یک روز اسکندر مقدونی بدیدن او رفت و از وی پرسید آیا به چیزی نیاز داری گفت بلی این که تو خود را از برابر آفتاب که بر من می تابد کنار کشی و سایه بر من نیندازی و همین دیو جانس بود که در روز روشن چراغ در دست در کوچه های شهر آتن می گشت و می گفت : من انسان حقیقی را می جویم همان گونه که مولانا جلال الدین بلخی می گوید : دی شیخ با چراغ همی گشت گیر دشهر - کز دیو دملولم و انسانم آرزواست - ، گفت یافت نمی شود جسته ایم ما - گفت آن که یافت نمی شود آنم آرزو است .

تفاخر:

فخر به تجملات و مردگان نکنیم حکایت: سعدی شیرازی می گوید روزی در گورستان فرزند مرد توان گر و ثروت مندی را دیدم که در سرگور پدر خود نشسته با فرزند مرد فقیر و درویشی مناظره و گفت و گو می کند ، توان گر زاده به طعنه گفت قبر پدر من دارای مقبره ای خوبی است که

از مر و خشت فیروزه و سنگ قیمتی درست شده است و صندوق و شمع دانه‌ها و گلدسته‌های زیبا و رنگارنگ دارد، ولی پدر توجز چند خشت؛ فقیر زاده در مقابل طعنه و تحقیر و سرزنش او پاسخ عجیب دندان شکن داد و گفت: ساکت و خاموش باش، چون تا پدرت بخواهد زیر این سنگ‌های سنگین بجنبد پدر من به بهشت رسیده است. شعر: خر که بر وی نهند کمتر بار - به ره آسوده تر کند رفتار. ۱ - قال علی (ع) لا حرق اعظم من الفخر: علی (ع) فرمود حماقتی با لا ترو بزرگتر از فخر نیست. (غرر الحکم ج ۲).

بیهوده گوئی:

بیهوده گوئی و پر حرفی دیگر از آفت زبان بیهوده گوئی و پر حرفی است، یعنی انسان از موضوعی سخن می‌گوید که هیچ فایده ندارد حدیث داریم که خوشا به حال آن که زیادی مالش را انفاق می‌کند و زبان خود را از زیاده گوئی باز دارد. ۱ - علی (ع) در بیان نورانی درباره پر گوئی و لغزش‌های حاصل از آن چنین می‌فرماید: بیهوده گوئی آفت سخن است. ۲ - رسول خدا (ص) فرمود المومن طویل الصمت و قلیل الکلام: یعنی از جمله نشانه‌های اهل ایمان سکوت طولانی و کم گوئی است. (بحار الانوار ج ۶۴ ص ۳۱۱). ۳ - امیر مومنین علی (ع) می‌فرماید: (اذا تم العقل نقص الکلام): هنگام که عقل انسان کامل شد، سخنش کم می‌شود. ۴ - پیامبر اکرم (ص) فرمود: (طوبی لمن انفق من ماله، و امسک الفضل من قوله): خوشا بحال آن که زیادی مالش را انفاق می‌کند و زبان خود را از زیاده گوئی باز می‌دارد. (کافی ج ۲ ص ۱۴۴) ۵ - قال: (علی (ع) لا تقبل ما لا تعلم بل لا تقبل کل ما تعلم) علی (ع) می‌فرماید: آن چه را نمی‌دانی نگو بلکه همه آنچه را می‌دانی نیز نگو (نهج البلاغه حکمت ۳۷۴ ص ۱۲۶۸). ۶ - امیر مومنان علی (ع) می‌فرماید: اگر دوست داری از سلامت نفس بر خوردار شوی و عیب‌ها و کاستی‌ها یت پوشیده بماند کمتر سخن بگو و بیشتر خاموش باش تا فکرت قوی و قلبت نورانی گردد. (غرر الحکم ص ۲۱۶ ش ۴۲۵۲).

شهادت دروغ:

دیگر از آفات زبان شهادت دروغ است که در آیات و روایت نکوهش شده و از برای آن عذاب درد ناک وعده داده شهادت دروغ است که یکی از بدترین آفات زبان است یعنی گواهی دادن به چیزی که خلاف واقع است آثار زشت فراوان دارد از قبیل ضایع شدن حقوق دیگران و ویران کردن

کانون خا نواده ها ظلم تجاوز تعرض به افرادو. شهادت دروغ از دیدگاه احادیث: ۱- قال رسول الله (ص) عدلت شهاده الزور الشکرک با الله : پیا مبر (ص) فرمود شهادت دروغ معادل وهم پایه شرک به خداست. ۲- ولیتی الله ربه ولا تکتبوا الشهاده ومن یکتبها فانه اثم قلبه والله بما تعملون علیم : یعنی از خدا بترسید کتمان شهاده نکنید که هرکس کتمان شهادت کند وحق و حقیقت را بیوشا ند واداء شهادت نکند دردل گنه کار است و خداوند به همه کارهای نپهان وآشکار شما آگاه است. ۳- قال ابو عبدالله (ع) اذا دعیت الی الشهاده فاجب: امام صادق (ع) می فرماید هرگاه تورا برای گواهی دادن دعوت کند اجابت کن. - قال الرضا (ع) ان سئلت عن الشهاده فاداها: امام رضا (ع) فرمود : اگر از تو خواسته شد شهادت بدهی شهادت بده. ۵- عن النبی (ص) قال من کتمها اطعمه الله لحمه علی رؤس الخلائق : نبی اکرم (ص) فرمود هر کس شهادت وگواهی به حق و حقیقت را کتمان کند خداوند در قیامت گوشت بدن او را در برابر مردم به خوردش میدهد. ۶- رسول خدا (ص) فرمود اگر کسی برای دادن شهادت خوانده شود وگواهی ندهد مثل کسی است که شهادت دروغ داده است. ۷- عن ابی عبدالله (ع) قال لا ینقضی کلام کلام شاهد الزور من بین یدی الحاکم حتی یتبئی مقعدہ فی النار وکذلک من کتم الشهاده : امام صادق (ع) فرمود کلام وسخن آن کس که در حضور حاکم وقاضی بدروغ شهادت بدهد هنوز تمام نشده که جا یگاه اش در آتش دوزخ معین می شود و همین طور است آن کسی که کتمان شهادت می کند

عیب جوی مردم:

۱- در روایت از ابی حمزه ثمالی گوید از علی بن الحسین شنیدم می فرمود: رسول خدا (ص) فرمود همین عیب برای مرد بس است که ببیند در مردم آنچه در خود نبیند و بیازارد هم نشین خود را بدان چه برای او مهم نیست و سودش ندهد. (اصول کافی ج ۵ ص ۵۷۵ ح ۲). ۲- از امام باقر (ع) که فرمود: برای مرد همین عیب بس که در مردم عیب ها بجوید و بفهمد که از دیدار آنها در خود کور است یا مردم را عیب گوید بدانچه در خود او هم است و نتواند از آن به وضع دیگر منتقل شود یا هم نشین خود را بیازارد بدانچه سودش نبخشد و برای او مهم نیست. (اصول کافی ج ۵ ص ۵۷۷ ح ۳). ۳- از ابی حمزه از امام باقر و علی بن الحسین (ع) فرمودند: راستی که ثواب احسان از همه خیرها زود تر برسد و عقوبت و کیفر بغی و ستم کاری از همه بدیها زود تر باشد و همین عیب برای مرد بس است که بنگرد در عیوب دیگران آنچه را که در خود نسبت بدان کور باشد و نبیند یا هم نشین خود را آزار کند بدانچه او را سود ندهد و به کارش نخورد یا مردم رانهی

کند از آنچه خود نتواند ترک کند. (اصول کافی ج ۵ ص ۵۷۷ ح ۴).

تهمت زدن:

تهمت زدن و بدگمانی کردن از منظر احادیث معصومین (ع) ۱- امام صادق (ص) اذا اتهم المؤمن اخاه انما الايمان من قلبه كما ينماث الملح في الماء: از امام صادق (ع) فرمود: هرگاه مومن برادر دینی خود را تهمت زند ایمان از دلش سائیده شود چنانچه نمک در آب حل شود. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۴۳ ح ۱). ۲- عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن بعض اصحابه عن الحسين بن حازم عن حسين بن عمر بن يزيد عن ابيه قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: من اتهم اخاه في دينه فلا حرمه بينهما ومن عامل اخاه بمثل ما عامل به الناس فهو برئ مما ينتحل: عمر بن يزيد از پدرش که شنیدم از امام صادق علیه السلام می فرمود: هر که برادر دینی خود را تهمت زند احترامی بین آنها بجا نماند و هر که با برادر دینی خود بیگانه وار عمل کند چنانچه با مردم دیگر که با او هم عقیده نیستند، او از آنچه خود را بدان بسته است (از علاقه به مذهب) بر کنار و بی زار شده (اصول کافی ج ۵ ص ۳۴۲ ح ۲) ۳- عنه عن ابيه عن حدثه عن الحسين بن المختار عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قال امير المؤمنين في كلام له ضع امر اخيك على احسنه حتى يا تيك ما يغلبك منه ولا تظن بكلمه خرجت من اخيك سوءا وانت تجد لها في الخير محملا). امیر المومنین (ع) در ضمن سخن خود فرمود: کار برادر دینی خود را به بهترین وجهی مقرر دارد تا آنکه دلیلی به دست تو آید که بر تو چیره شود و راه توجیه را بر تو ببندد و به هیچ سخنی که از برادرت برآید بدگمان مباش تا محل خوبی برای آن توان یافت. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۴۳).

خلف وعده:

۱- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن هشام بن سالم قال سمعت ابا عبد الله (ع) يقول عده المؤمن اخاه نذرا، لا كفاره له فمن اخلف فبخلف الله بدا ولمقته تعرض وذلك قوله يا ايها الذين آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون، كبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون. از هشام بن سالم، گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود وعده دادن مومن به برادرش در حکم نذری است که کفاره ندارد و هر که از آن تخلف کند به تخلف از خدا آغاز کرده و به دشمنی او درآویخته و این است قول (سوره صف ۲) ایا آن کسانی که گروید چرا می گوئید آنچه را نمی کنید و چه

دشمنی بزرگی دارد نزد خدا که بگوید و نکنید. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۴۹). ۲- علی عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن شعیب عقرقوفی عن ابی عبدالله علیه السلام قال، (قال: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم من كان یومن با الله والیوم الاخر فلیف اذا وعد).: از امام صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد باید به وعده که می دهد وفا کند. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۴۹ ح ۲).

سرزنش:

۱- علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن الحسین بن عثمان عن رجل عن ابی عبدالله علیه السلام قال: من انب مومنا انبه الله فی الدنيا والاخره: از امام صادق علیه السلام فرمود: هر که مومنی را سرزنش کند خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش کند. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۲۹). ۲- عنه عن ابیه عن بن ابی عمیر عن اسما عیل بن عمار عن اسحاق بن عمار عن ابی عبدالله (ع) قال، قال رسول الله (ص) من اذاع فاحشه کان کمبتدئها ومن غیر مومنا بشء لم یمت حتی یرکبه: رسول خدا (ص) فرمود: هر که یک کار زشتی را فاش کند چون کسی است که آن را آغاز کرده و هر که مومنی را سرزنش کند نمیرد تا آنرا مرتکب شود. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۲۹). ۳- محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن ابن محبوب عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله (ع) قال: من غیر مومنا بذنب لم یمت حتی یرکبه: امام صادق (ع) فرمود: هر که مومنی را به گناهی سرزنش کند نمیرد تا آنرا مرتکب شود. (اصول کافی همان). ۴- عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن ابن فضال عن حسین بن عمر بن سلیمان عن معاویه بن عمار عن ابی عبد الله علیه السلام قال: من لقی اخاه بما یوثبہ انبه الله فی الدنيا والاخره.: از امام صادق علیه السلام فرمود: هر که نزد مومنی رود که او را سرزنش کند و سرکوفت زند خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش نماید. (اصول کافی ج ۵ ص ۳۲۹)

انکار نسب و نژاد:

۱- عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال: (کفر با الله من تبرأ من نسب وان دق): از امام صادق (ع) فرمود به خدا کافر شده کسی که از نژاد و نسب خود بیزار می جوید گر چه کم ارزش و پست باشد (اصول کافی ج ۵ ص ۳۱۴). ۲- عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن ابن فضال عن ابی المغراء عن ابی بصیر عن ابی

عبدالله (ع) قال: (کفر با الله من تبرأ من نسب وان دق). از امام صادق علیه السلام به همین مضمون (همان) ۳-علی بن محمد عن صالح بن ابی حماد عن ابن ابی عمیر وابن فضال عن رجال شتی عن ابی جعفر و ابی عبدالله (ع) انهما قالا: (کفر با الله العظیم الا ٱئتفاء من حسب وان دق):. از امام باقر علیه السلام نفی حسب وگر چه پست باشد وکم ارزش باشد کفر است. (اصول کافی همان).

نتیجه:

در این پژوهش به سکوت به عنوان یکی از راهکارها و نظارت بر زبان پرداخته، تمرین و تجربه سکوت سبب می شود، که انسان زبا نش را، در اختیار بگیرد، و از طغیان آن بکاهد، هم چنین، توجه به حضور، و نظارت الهی، و توجه به این موضوع، که مراقبی، از سوی خداوند، همه گفتار ما را ضبط و ثبت می کند، و از مهم ترین، راهکارها، نظارت بر زبان است، از روایات این نتیجه را می توان گرفت که اکثر مردم که به جهنم می روند به سبب حفظ نکردن زبان های شان است، چنانچه نعمت های فراوان هم دارد، که خداوند در قرآن به آن اشاره فرموده: (الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه الیوان) زبان عمده ترین وسیله ای است، که مردم به کمک آن با یک دیگر ارتباط فکری برقرار می کنند و ایجاد تفاهم و انتقال مفاهیم از طریق زبان صورت می گیرد، در یک جمله زبان ملاک ارزش و معرفت شخصیت انسان و ترازوی عقل اوست، همان گونه که علی (ع) می فرماید: شخصیت هر کس در پی زبان اوست، لذا زبان هم دارای فوائد است، و هم مفاسد و آفات دارد، که باید شناخت تا با کنترل زبان، از ابتلاء به آن آفات پیش گیری و اجتناب ورزید.

کتابنامه

- ابن شعبه، حرانی، تحف العقول، انتشارات، آل علی (ع)، ۱۳۸۲ش.
- ابو الفتح، آمدی، غر الحکم، ۴۶۶ انتشارات، دار الکتب، الاسلامیه، قرن ۵، هج.
- آلکسیس، کارل، انسان، موجود ناشناخته، ص ۲۹۶، انتشارات، دنیای کتاب، ۱۳۹۲ش.
- شهاب الدین، محمد، بن احمد، ابو الفتح، ایشی، المستطرف، عالم الکتب بیروت لبنان، ۱۴۱۹ق.
- شیخ حر، عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، انتشارات، آل البيت، تاریخ، تالیف، ۱۴۱۴ق.
- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، انتشارات، دار الاسوه، ۱۳۷۴ش.
- عبد الله، بن جعفر، حمیری، قرب الاسناد، ص ۲۶، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.
- فخر الدین، الطریحی، مجمع البحرین، انتشارات، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۲ش.
- کمال الدین، دمیری، حیات الحیوان، ج ۱، انتشارات، صالحیان، ۱۳۹۵ش.
- کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۰۶، ح ۴۳۲۰۵.
- محمد، بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ج ۵، انتشارات، اسوه، چاپ سوم، سال نشر، ۱۳۷۵ش.
- محمد باقر، علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، انتشارات. موسسه آل البيت.
- محمد، بن یعقوب، کلینی، روضه کافی، ج ۳، انتشارات، دار الحدیث، ۱۴۰۷ق.
- معراج السعاده، احمد نراقی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ص ۵۲۷.
- میرزا حسین، نوری، طبری، مستدرک الوسائل، ج ۲، تاریخ تالیف، ۱۳۲۰ق.
- نهج البلاغه، ص ۱۸۳، خطبه ۱۷۶.
- نوری، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۲.
- ورام، بن ابی الفراس، مالکی، اشتری، مجموعه ورام، ج ۳، ص ۲۸۸، ۱۳۶۹ش.